

دعا، نوعی از تباط کلامی میان انسان و خدا به هدف درخواست است. این از تباط کلامی از مصادیق ذکر الهی نیز به شمار می‌آید. بنابراین نیایشگر در مقام دعا و نیایش‌افزون بر این که خواسته و نیاز خود را مطرح می‌سازد، حضور دایمی خدا را در همه زندگی‌اش می‌یابد و به صفات بسیاری از خدا به این شکل اقرار می‌کند که از آن جمله شنوایی، دانایی، توانایی و پروردگاری خداوند است. اما نقش دعا به ویژه نیایش امامان معصوم(ع) را نمی‌توان در همین حد خلاصه کرد، بلکه عرفان حقیقی اسلامی را می‌توان در محتوای نیایش‌های آنان بعینه مشاهده کرد. نویسنده در این مطلب بر آن استست تا این جنبه از نیایش را براساس آموزه‌های قرآنی و روایی تبیین کند.

\*\*\*

### درخواست ذات و زبان

انسان موجودی فقیر است. فقر ذاتی او از سوئی و فطرت کمال‌گرا نفس‌گریز او از سوی دیگر، موجب می‌شود تا ضمن شناسایی حقیقت خود و موقعیت خویش در هستی، در جست و جوی رهایی از نقص و دستیابی به کمال باشد تا دست کم این فقر ذاتی را با عنصری از میان بردارد و با اتصال به کمال مطلق، خود را از دام نقص و کمبود برهاند. انسان به سبب توانایی و استعداد فطری خود، خداوند را به عنوان کمال مطلق شناسایی می‌کند. پس در این اندیشه می‌شود که به آن نزدیک شده و از کمال مطلق بهره‌مند گردد و از نقص رهایی یابد. در جست و جوی راهی به سوی تقرب به کمال، عقل، او را به مجموعه‌ای از قوانین و راه‌ها راهنمایی می‌کند که به نظر عقل، موجب خشنودی کمال مطلق و امکان تقرب به اوست. اما از آن جایی که عقل نمی‌تواند در همه جزئیات چنان که شایسته است وارد شود، نیازمند راهنمایی دیگر است. اینجاست که فضل الهی شامل بندگان می‌شود و خداوند هدایت بیرونی را به نام وحی و پیامبری می‌فرستد تا راهنمای کامل مردم مطلق شود. در حقیقت این درخواست ذات انسان است که وی را به جست و جوی کمال مطلق و راه تقرب و دستیابی به آن وادار می‌کند. از این رو از این معنا در آیات قرآنی به عنوان گرایش فطری و میناق السلت (اعراف، آیه ۱۷۲) یاد می‌شود.

بسیاری از خواسته‌های زبانی ما انسان‌ها، خواسته‌های واقعی نیست، درخواست ذات است که ممکن است بر زبان جاری شود، ولی خواسته فطری است و انسان با همه وجودش آن را می‌خواهد، دیگر درخواست زبان است که گاه ممکن است با درخواست ذات همسان نباشد و حتی مخالف آن باشد.

بسیاری از خواسته‌های عرضه شده، تحت تاثیر فضایی است که در آن قرار داریم. از این رو به آنها پاسخ داده نمی‌شود، چرا که درخواست زبانی در بسیاری از موارد نمی‌تواند درخواستی بیرون از استعداد و ظرفیت ما باشد و اگر بدان پاسخ داده شود، به جای آن که مفید و سازنده باشد، زیانبار باشد. در این اساس خداوند از درخواست‌های بسیاری یاد می‌کند که انسان آن را دوست می‌دارد و درخواست می‌کند، در حالی که به ضرر و زیان اوست و کسبش از چیزها ناخوش می‌دارد در حالی که برای او مفید و سازنده است. (قره، آیه ۲۱۶)

اما خواسته‌های ذاتی و حقیقی، همواره از سوی خداوند پاسخ داده می‌شود. بهترین حالت در پرسش‌گری آن است که خواسته‌های ذاتی و زبانی‌اش یکی باشد. در این حالت است که پاسخ به این پرسش‌ها سریع و کامل خواهد بود و خداوند نسبت به آن سریع‌الاجابه است.

در اصطلاح قرآنی این خواسته‌ها به عنوان خواسته‌های مضطر معرفی شده است. مضطر کسی است که خواسته ذات و زبانی او یکی است و خواسته او یک نیاز واقعی و جدی است که اگر برآورده نشود، از کمال و کمالات دور می‌شود و دچار ضرر و زیان می‌شود. در اینجاست که خداوند به سرعت به این خواسته ذات و زبان مضطر پاسخ می‌دهد؛ چرا که پاسخ به این خواسته‌های ذاتی و حقیقی، همواره از سوی خداوند پاسخ داده می‌شود. بهترین حالت در پرسش‌گری آن است که خواسته‌های ذاتی و زبانی‌اش یکی باشد. در این حالت است که پاسخ به این پرسش‌ها سریع و کامل خواهد بود و خداوند نسبت به آن سریع‌الاجابه است. در اصطلاح قرآنی این خواسته‌ها به عنوان خواسته‌های مضطر معرفی شده است. مضطر کسی است که خواسته ذات و زبانی او یکی است و خواسته او یک نیاز واقعی و جدی است که اگر برآورده نشود، از کمال و کمالات دور می‌شود و دچار ضرر و زیان می‌شود. در اینجاست که خداوند به سرعت به این خواسته ذات و زبان مضطر پاسخ می‌دهد؛ چرا که پاسخ به این خواسته‌های ذاتی و حقیقی، همواره از سوی خداوند پاسخ داده می‌شود.

در فقای خویش ، از وادی کثرت به وحدت، رهنمون سازد. این نیایش آیمزه ای از لطایف و معارف اسرارآمیزی است که تشعشعات روحانی آن، روح خواننده مشتاق را نوازش می دهد و دل را از غل و غش صیقل می بخشد. مفاهیم بلند، عارفانه و عاشقانه این مناجات، ریخته در اعماق درباری عرفان علوی دارد ؛ به طوری که در این نیایش، روح زیبای امیرمؤمنان (ع)، خویشش را در حضور خدای جمیل و جلیل دیده و عبودیت تام را در ثنای ربوبیت به تصویر کشیده است. امامان دیگری نیز، پیوسته از این چشمه نوشیده اند و با واژه های سبز و تعبیرات کفز ، سلوک نجوا را در عالی ترین مراتب نیایش پیوینده اند.

بسیاری از عرفا و اهل شهود نیز بر قرانت مستمر،و همراه با تامل این مناجات جسدی داشته و آنرا به عنوان یکی از تکالیف مهم برای سالکان،و پویندگان طریق توحید بر شمرده‌ند.

در این میان میرزا جواد ملکی تبریزی باز اساتید معنوی امام خمینی(ره) که انعکاس جلوات نورانیش در دل و قلب امام تجلی یافته‌در کتاب شریف «المراقبات» می نویسد:

این مناجات، مناجات معرفی است و اهلیش به خاطر آن با ماه شعبان مانوس شده و به همین جهت منتظر و مشتاق این ماه هستند. این مناجات شامل مطالب اساسی در مورد چگونگی معامله بندگان با خدای بزرگ است و آداب خواستن، دعا و طلب آرزوش از او را، آنگونه که شایسته است بیان می‌کند و استدلالاتی جالب توجهی جهت امیدوار شدن به درگاه خدا که با مناجات با او مناسب است، در بر دارد و به روشنی، ملاقات، نزدیکی و دیدن خدا را معنی می‌کند.این مناجات بزرگی است و یکی از ارغمانهای آل محمد (ص) است که بزرگی آن را کسی که قلب

# حقیقت شریعت در قالب دعا

■ منصور حسینی

**\* در همه دعاهای ماثور می‌توان حقیقت را چنان که هست شناخت و با آن ارتباط برقرار کرد. در این ادعیه، به انسان یاد داده می‌شود چگونه خود و خدا را بشناسد و در مسیر حرکت به سوی حقیقت و کمال مطلق گام بردارد.**

به این درخواست برای رهایی از بدی و سوئی است که شخص مضطر بدان دچار شده است و اگر به این پرسش ذات و زبان مضطر پاسخ ندهد، انسان در بدی و گرفتاری سئوه زیان بسیاری می‌بیند. از این رو خداوند در آیه ۶۲ سوره نمل می‌فرماید:
امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء؛ یا آنکه درمانده را چون بخواندش پاسخ می‌دهد و آسیب را از او دور می‌کند. کسی که در دریا در حال غرق شدن است، صدقائی از مضطر است که درخواست ذاتی و زبانی او یکی است و در آن حالت به سرعت از سوی خداوند پاسخ می‌شوند تا از هلاکت رهایی یابد؛ هر چند که بسیاری از مردم پس از رهایی از مقام اضطرار، به جای سپاس خداوند کفر می‌ورزند و راه ناردست پیشین خود را می‌روند.

### نیایش، معرفت کامل

دعا بیانگر مرتبهای از مراتب بالای ایمان است؛ زیرا کسی دست به دعا و نیایش بلند می‌کند که خداوند را به صفاتی شناخته باشد؛ زیرا دعا به معنای درخواست انجام دادن چیزی (معجم الفروق اللغویی، ص ۵۲۴) از کسی است که او بالاتر و تواناتر است. (همان، ص ۲۳۱؛ و نیز تفسیر العرب، ج ۴، ص ۳۵۹. «دعا»)

کسی که در مقام دعا برمی‌آید کسی است که به کاستی‌ها، کمبودها و ضعف‌های خود آگاه است. (همان) آیه ۴؛ قمر، آیات ۱۰ و ۱۱) و آن را با تمام وجود درک کرده و بدان با زبان و جان اقرار می‌کند. (حمد، آیات ۵ و ۶) بنابراین، فهم و درک حقیقت خود و اقرار به فقر ذاتی و پذیرش مقام عبودیت و اظهار آن (همان) از سوی و شناخت حقیقت خداوند و غنای ذاتی او(وفاقر، آیه ۱۵)، شنوایی (بقره، آیه ۱۲۷؛ آل‌عمران، آیه ۳۵)، دانایی، علم و آگاهی(همان)، قدرت و توانایی (تحریم، آیه ۸)، و نیازی و پایی(انبیاء، آیه ۸۷)، پروردگاری و ربوبیت (مریم، آیه ۴؛ قمر، آیات ۱۰ و ۱۱)، حکمت و هدفمندی خداوند در آفرینش (بقره، آیه ۱۲۹) وماوند آن از سوی دیگر، موجب می‌شود که انسان درخواست‌های ذاتی و زبانی خود را از خدا داشته باشد.

البته همه موجودات در خواسته‌های ذاتی از خداوند نارند؛ هر چند که بسیاری از انسان‌ها و جنیان فکراند و آن درخواست‌ها را به زبان نمی‌آورند؛ اما خداوند به همان درخواست‌های ذاتی آنان پاسخ مناسب می‌دهد. براساس آموزه‌های قرآنی اهل معرفت نیایش، اهل معرفت کلامی هستند و هرچه معرفت فرد به خود و خدا کامل‌تر باشد، درخواست‌های زبانی او با درخواست ذات او سازگارتر است.

نیایش بیانگر بسیاری از مفاهیم بلند معرفتی و شناختی است که برخی از آن بیان شده است. نقش مهمتر نیایش در ذکر الهی است. کسی که دستس به نیایش دائمی به سوی خداوند بلند می‌کند و همه چیزش از نمک طعام تا رضوان الهی را از خداوند می‌خواهد، این شخص به فقر ذاتی خود و کمال و غنای ذاتی خداوند اقرار دارد و همواره خود را در محضر خدا می‌یابد.

پیغمبر(ص) فرمود: نیازمندیهای خود، حتی بند «کشف» خود را از خدا بخواهید زیرا اگر خداوند خواسته شما را برآورده نکند، هرگز برآورده نخواهد شد. نیز می‌فرماید: حاجات خود حتی «محکم شدن بند پای

# جایگاه مناجات شعبانیه در اندیشه های عرفانی امام خمینی (ع)

■ گرد آورنده: سید حامد حسینی تهرانی

اهل شهود می توانند معانی بلند آن را ادراک کنند: «ادعیه ائمه هدی همان مسأله‌ی را که کتاب خدا دارد، دعاهای آنها هم دارد با یک زبان دیگر، قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می‌کند و همه مطالب را دارد، منتها بسیاریش در رمز است که ما نمی‌توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه علیهم السّلام یک وضع دیگری دارد، به تعبیر شیخ عارف و استاسا: ما ادعیه کتاب صاعد است و قرآن کتاب نازل که از آنجا نزول کرده است، و ادعیه ائمه کتاب صاعد است همان قرآن است که رو به بالا می‌رود، کسی که بخواهد بفهمد مقامات ائمه چیست باید رجوع کند به آثار اهل بیت، آثار آنها ادعیه آنها است، همیش ادعیه آنهاست و خدایهایی که می‌خوانند، مثل «مناجات شعبانیه» مثل نهج البلاغه مثل دعای یوم العرفه و این‌هایی که انسان نمی‌داند که چه باید بگوید درباره آنها»<sup>(۱)</sup>

ایشان در بخشی دیگر از سخنان خود می فرمایند:

«چه بسا مسأله عرفانی که در قرآن و این مناجاتهای ائمه اطهار(ع) و همین «مناجات شعبانیه» مسأله عرفانی هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا، تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است، نمی‌توانند وجدان کنند.»<sup>(۲)</sup>

امام خمینی دیگران را به تلاوت و تامل در این مناجات ترغیب می‌نمود و این رغبت را در کتاب نهاده در مسیر معرفت و تقرب درگاه ربوبی می دانست. چه آنکه در وصیتنامه سیاسی الهی خود، وجود چنین مناجاتی را از افتخارات شیعه برشمرده است و در مواردی از سخنرانی‌ها و پیام‌های خود از آن به عظمت یاد کرده است: «<sup>(۳)</sup>

«همین جزائاتی که در این مناجات بزرگ است و بعضی جملات دیگری که در آن هستند ، مسألهائی است که به حسب ظاهر سهل است و واقعا منتع است ، ریاضات بسیار می خواهد تا انسان بتواند بفهمد... این از دعاهایی است که من غیر از این دعا ندیدم که روایت شده است ، و همه ائمه این دعا را ، این مناجات می خوانند ، این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می خواندند... این ها چیزهایی است که دست ماها از آن کوتاه است ، و دعا کنید که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که در این ماه شریف و ماه شریف رمضان از این مسائل هم حظی ولو یک جلوه کوچکی در دلها و قلبهای ما واقع بشود .<sup>(۴)</sup>»

## \* آنچه انسان را زمینی می کند و او را وابسته به مادیات می سازد همین تعلقات و مظاهر دنیایی است . تنها راه رهایی آن است که :انسان انقطاع قلبی و روحی از آنها پیدا کند.این میسور نیست جز در سایه توجه تام و تمام به خدا از راه ذکر دعا و ارتباط معنوی با پروردگار.

شاید همگان به یاد داشته باشند که وی همواره فراهایی از این نجوا را با حالت وجد و جذبۀ تکرار می نمود و سر در پای این دریای حکمت و عرفان می سود، و بسیار ززمعه می کرد:

«الهی‌ه لب لی کمال الانقطاع الیک واتر ایصار قلبونا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ایصارالقلوب حبیب النور فتصل الی معدن العظمه و تصیر ارواحنا معلقه بقر قدسک الهی واجعلنی ممن نادیته فاجابک و ناجیته فصق لیلاک» «خدایا کمال انقطاع به سئوی خودت را به من عطا گردان ، و دل و دیده ما نور با نورانی کن به تابش نظر خود به آن ، تا دیده های دل پرده های نور را بردر و به سرچشمه عظمت تو برسد ، و ارواح ما به عز قدس تو آویخته گردد. خداوندا ، از انانم قرار داده که چون ندا در دهی پاسخ تو را گوید و چون به او توجه کنی ، از جلال و عظمت تو بیبوش گردد و غریبو برآرد .<sup>(۵)</sup>»

این فرازی از مناجات شعبانیه است که امام خمینی (ره) بارها در وصیتنامه خود و در نامه عرفانی شان به حاج سید احمد خمینی(ره) از آن یاد کرده اند . از نظر امام راحل در این بخش از مناجات:آنچه که فیض الهی حبج ظلمانی و حجابهای نورانی را از پیش چشم آدمی

## معارف

Maaref@Kayhannews.ir

# حقیقت شریعت در قالب دعا

**\* پیغمبر(ص) فرمود: نیازمندیهای خود، حتی بند کفش خود را از خدا بخواهید زیرا اگر خداوند خواسته شما را برآورده نکند، هرگز برآورده نخواهد شد.**

در همه دعاهای ماثور می‌توان حقیقت را چنان که هست شناخت و با آن ارتباط برقرار کرد. در این ادعیه، به انسان یاد داده می‌شود چگونه خود و خدا را بشناسد و در مسیر حرکت به سوی حقیقت و کمال مطلق گام بردارد.

در کلمات عارفان شیعی این معنا بارها مورد تأکید قرار گرفته است که سیر و سلوک در دایره توضیح‌المسائل و احکام شریعت انجام می‌شود. به این معنی که حقیقت شریعت، همان شناخت حق و متحقق شدن به حق از طریق عبودیت و تسلیمی است که با شریعت صورت می‌گیرد؛ چرا که در شریعت همه بایدها و نبایدها و واجبات و محرّمات و مکروهات و مستحبات بیان شده است تا انسان مسیر کمالی را براساس آن ببیماید. آنچه در دعاهای ماثور نشان داده می‌شود، هدف این سیر و سلوک یعنی حق مطلق است. (فصلت، آیه۵۳) توضیح‌المسائل یا همان رساله عملیه مجتهد جامع‌الشرائط یعنی مجموعه کامل سبک زندگی در دنیا که انسان را به آن هدف نزدیک می‌کند و موجبات تقرب را در یک فرآیندی از صیغه‌الله (بقره، آیه۱۲۸) تا مثاله و ربانی شدن (آل عمران، آیه۷۹) فراهم می‌آورد.

انسان متأثر از نیایش ماثور درمی‌یابد که چگونه باید از همه چیز به سئوی خدا فرار کند و از غیر بیزد. (ذاریات، آیه ۵۰) فضایی که دعاهای ماثور پدید می‌آورد، تبیین حقیقت و راه شناخت و چگونگی درک و فهم آن و نیز چگونگی تقرب به آن است. به این معنا که هرکسی می‌بایست حقیقت مطلق را چنان که هست بشناسد و بکوشد تا خود را متحقّق به آن حق کند.

اگر ما شریعت را پوسته اسلام و حقیقت می‌دانیم، این بدان معنا نیست که اصیل نیست؛ بلکه به این معناست که شریعت همانند لفظ است که معنایی را با خود دارد و آن را حمل می‌کند. ما نباید در بند لفظ باشیم و معنا را دربراییم. اما باید دانست که معنا تنها بر دوش لفظ و در قالب آن قرار می‌گیرد. بنابراین، اگر کسی بخواهد بطن و حقیقت لفظ و

**\*دعاهای امامان معصوم(ع) حقیقت عرفان حق تعالی و راه سیر و سلوک را به ما می‌آموزد و اینکه چگونه تذلل خود و کبر و عظمت الهی، فقر و غنای ذاتی خود و خدا را بشناسیم و برای رهایی از این فقر مطلق، با تقرب جویی به حقیقت حق تعالی خدایی شده و از نقص به کمال مطلق متصل شویم.**

شریعت را درباید، می‌بایست به لفظ به عنوان یک ابزار رسیدن که از آن بی‌نیاز نیستیم توجه کند.

دعای ماثور به عنوان قرآن صاعد به ما می‌آموزد که چگونه خداوند را به عنوان حق مطلق و هدف و مقصد نهایی در نظر داشته باشیم و چگونه این راه را ببیماییم و متحقّق به حق شده و متاله گردیم.

دعاهای امامان معصوم(ع) حقیقت عرفان حق‌تعالی و راه سیر و سلوک را به ما می‌آموزد و اینکه چگونه تذلل خود و کبر و عظمت الهی، فقر و غنای ذاتی خود و خدا را بشناسیم و برای رهایی از این فقر مطلق، با تقرب جویی به حقیقت حق‌تعالی خدایی شده و از نقص به کمال مطلق متصل شویم.



می‌داید، عشق به پروردگار است؛ اگر کسی به آن دست یابد به معرفت دست یافته است و به حضور و شیوۀ نایل آمده است. ایشان در تفسیر این مضامین عالی به این مهم اشاره می‌کند: «مطلوب در این فراز از دعا، برخورداری از حالات نورانی است که موجب می‌شود تا دیدگان قلوب به فرقع نظر به جمال حق تعالی روشن گردد. «کمال انقطاع» آن است که تمام حبج ظلمانی و نورانی پاره و کنار زده شود، تا به مهمان سرای الهی که «معدن عظمت» است بتوان وارد گردید؛ لذا در این مناجات از خداوند متعال، بیبایی و نوراتت قلبی طلب می‌کنند، تا بتوانند حبج نورانی را دریده به معدن عظمت برسند»<sup>(۱)</sup>

از دیدگاه امام، شرط نیل به کمال انقطاع، خروج از خویشن ، گام نهادن در طریق توحید و محبت الهی یازیده؛اگر کسی به آن دست یابد به شرایط انسان از حجاب های میان خویش و معبود رهیده و کمال انقطاع برای او حاصل می گردد:

«این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی و هرچه و هر کس و پیوستن به اوست، و گسستن از غیر و این همه ای الهی است به اولیای خُصّ پس از، ضعف حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان دادن او است... نجوای سری حق با بنده خاص خود صورت نگیرد، مگر پس از صقع انفکاک جبل هستی خود.»<sup>(۲)</sup>

در حجابیم و حجابیم و حجابیم و حجاب <sup>(۳)</sup> این حجاب است که خود را معمان می‌است!<sup>(۴)</sup> در لایه لای کلمات نورانی امام، از سزّی مکتوم رمز گشایی می‌شود و آن اینکه چه بر انسان گذشته است که به این سان از اصل خودفاصله گرفته است و از حقیقت خویش که همانا ذات باری تعالی است دور مانده است؟! «آنچه انسان را زمینی می‌کند و او را وابسته به مادیات می‌سازد همین تعلقات و مظاهر دنیایی است . تنها راه رهایی آن است که :انسان انقطاع قلبی و روحی از آنها پیدا کنداین میسور نیست جز در سایه توجه تام و تمام به خدا از راه ذکر دعا و ارتباط معنوی با پروردگار.»<sup>(۵)</sup>

از نظر امام راحل برای مقابله با حبج ظلمانی و حجاب‌های نورانی، باید عاشقانه دست به محبت الهی یازید؛که اگر کسی به آن دست یابد به معرفت دست یافته و به حضور و شیوۀ نایل آمده است. از این رو ایشان در تبیین حال جذبۀ روحی و فنای کلی به حالات عاشق دل‌باخته تمثّل

صفحه ۶ یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۲ ۱۲ رمضان ۱۴۳۴ – شماره ۲۵۵۷

## چراغ راه

## آثار کسب رزق حلال

قال‌النبی(ص): یااحمدان العباده عشره اجزاء تسعه منها طلب الحلال فان اطیبت مطعمک و مشربک فانت فی حظفی و کنفی. پیامبر اعظم(ص) فرمود: ای محمدا عبادت ده جزء است، نه جزء از آن طلب حلال است، پس چون طعام و شراب خود را از آرایش حرمت پاک کنی تو را در کف و حمایت تویر گرم و از مکر و عداوت شیطان و عذاب جهنم محافظت نمایی.<sup>(۱)</sup>

۱- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۲۰۳

## حکایت خوبان

## راه خدا با کار صادقانه

روزی رسول خدا با اصحاب خود نشستۀ بود، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر آن حضرت بودند گفتند: این جوان شایسته مدح و تمجید بود اگر جوانی نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت. رسول اکرم(ص) فرمود: این سخن را نگوید!اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که کودکان ناتوان که زندگی آنان را تامین کند، و از مردم بی‌نیازشان سازد. راه خدا گام برمی‌دارد. همچنین اگر کار می‌کند به نفع والدین ضعیف یا کودکان ناتوان که زندگی آنان را تامین کند، و از مردم بی‌نیازشان سازد. باز هم به راه خدا می‌رود، ولی اگر کارمی‌کند تا با درآمد خود به تهی‌دستان مباحثات نماید و بر ثروت و دارایی خود بیفزاید، او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است.<sup>(۱)</sup>

۱- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰

## پرسش و پاسخ

## حیات برتر

پرسش: ماهیت زندگی دنیا چیست و چرا خانه آخرت حیات برتر شمرده شده است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال قرآن کریم در سوره انعام آیه ۳۲ می‌فرماید: «و ماالحیوه الدنيا الالعاب و لیهو و اللذات الاخره خیرللذین یتقون افلا تعقلون» زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست وخانه آخرت برای کسانی که تقوا می‌ورزند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

پرسش: ماهیت زندگی دنیا چیست و چرا خانه آخرت حیات برتر شمرده شده است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال قرآن کریم در سوره انعام آیه ۳۲ می‌فرماید: «و ماالحیوه الدنيا الالعاب و لیهو و اللذات الاخره خیرللذین یتقون افلا تعقلون» زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست وخانه آخرت برای کسانی که تقوا می‌ورزند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

پرسش: ماهیت زندگی دنیا چیست و چرا خانه آخرت حیات برتر شمرده شده است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال قرآن کریم در سوره انعام آیه ۳۲ می‌فرماید: «و ماالحیوه الدنيا الالعاب و لیهو و اللذات الاخره خیرللذین یتقون افلا تعقلون» زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست وخانه آخرت برای کسانی که تقوا می‌ورزند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

پرسش: ماهیت زندگی دنیا چیست و چرا خانه آخرت حیات برتر شمرده شده است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال قرآن کریم در سوره انعام آیه ۳۲ می‌فرماید: «و ماالحیوه الدنيا الالعاب و لیهو و اللذات الاخره خیرللذین یتقون افلا تعقلون» زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست وخانه آخرت برای کسانی که تقوا می‌ورزند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

پرسش: ماهیت زندگی دنیا چیست و چرا خانه آخرت حیات برتر شمرده شده است؟

پاسخ: در پاسخ به این سؤال قرآن کریم در سوره انعام آیه ۳۲ می‌فرماید: «و ماالحیوه الدنيا الالعاب و لیهو و اللذات الاخره خیرللذین یتقون افلا تعقلون» زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست وخانه آخرت برای کسانی که تقوا می‌ورزند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

## سلوک عارفانه

## مراتب روزه

(ای عزیز سالک!) روزه فقط امساک از خوردنی و آشامیدنی نیست و چون روزه گرفتنی، بایستی گوش و چشم و زبانت نیز روزه باشد و در بعضی از موارد است که حتی پوست بدن و مویت نیز باید روزه باشد. (الکافی، ج ۴، ص ۷)

روزه را سه مرتبه است: یکی «روزه عوام» و آن ترک خوردنی و آشامیدنی و محرّمات می‌باشد. به طوری که فقها، واجبات و محرّمات آن را مقرر داشته‌اند. دیگر «روزه خواص» است و آن علاوه بر ترک آنچه گفته شد، حفظ جوارح و اعضای بدن از مخالفتهای خدای جل جلاله است. سوم، روزه بخوانم الخالص» است و آن متروک داشتن هر چیزی است که آدمی را از خدای متعال باز دارد و شاغل عن‌الله باشد، خواه حلال باشد و خواه حرام، و برای هر یک از مرتبه دوم و سوم، اقسام بسیاری است، خصوصاً دومی که اقسام بی شمار به تعداد مراتب اصحاب یمین از مؤمنین می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

۱- المراقبات، میرزا جواد اقلاملکی تبریزی، ج ۱، ص ۲۷۱